

بازخوانی انتقادی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در حوزه هوش مصنوعی در ایران:

چارچوبی رئالیستی برای فهم نیروهای علی و ساختارهای زمینه‌ای

این پژوهش به بازخوانی انتقادی پژوهش‌های موجود در حوزه هوش مصنوعی در ایران می‌پردازد و هدف آن ارائه یک چارچوب واقع‌گرایانه برای درک عمیق‌تر نیروهای علی و ساختارهای زمینه‌ای مؤثر بر سیاستگذاری و توسعه هوش مصنوعی در ایران است. این رویکرد برای گذر از توصیف صرف پدیده‌ها به سوی تحلیل‌های عملی و قابل اجرا، به‌ویژه در بستر پیچیده اجتماعی-اقتصادی و سیاسی ایران، ضروری است. سیاستگذاری و توسعه فناوری در ایران تحت تأثیر مجموعه‌ای پیچیده از سازوکارهای علی عمیق و ساختارهای زمینه‌ای چندلایه (نهادی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و کلان-محیطی) قرار دارد که اغلب قابل مشاهده مستقیم نیستند. در حالی که حجم فزاینده‌ای از پژوهش‌ها در این حوزه در حال انجام است، محدودیت‌های روش‌شناختی و شکاف‌های موضوعی قابل توجهی وجود دارد که مانع از دستیابی به درک جامع از پدیده و مسئله مورد نظر می‌شود. اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی انتقادی، همراه با کثرت‌گرایی روش‌شناختی، می‌تواند به شناسایی ریشه‌های اصلی چالش‌ها و تدوین سیاست‌های مؤثرتر و متناسب با بستر ایران کمک شایانی کند.

تعریف «بازخوانی انتقادی» در گفتمان آکادمیک

بازخوانی انتقادی در گفتمان آکادمیک صرفاً یک خلاصه ساده نیست، بلکه مستلزم تعامل فعال با متن است. این فرآیند شامل پرسشگری درباره استدلال‌های نویسنده، ارزیابی وضوح و اثربخشی آن‌ها، و شناسایی هرگونه سوگیری احتمالی است. این رویکرد نیازمند مطالعه عمیق ادبیات موجود برای ارائه یک ارزیابی آکادمیک منصفانه و منطقی است. پرسش‌های کلیدی در این راستا شامل ارزیابی اهداف، روش‌شناسی، اعتبار یافته‌ها و چارچوب‌های نظری و تحلیلی مورد استفاده است. در زمینه مرور ادبیات، بازخوانی انتقادی شامل تحلیل و ارزیابی چندین منبع در یک موضوع خاص است، با تمرکز بر نکات مهم و ارزیابی اثربخشی استدلال‌های نویسندگان، ضمن شناسایی حوزه‌هایی که نیاز به پژوهش بیشتر دارند.^۱ تأکید بر "بازخوانی انتقادی" نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از ادبیات موجود ممکن است توصیفی باشد یا فاقد دقت تحلیلی عمیق، به‌ویژه در مورد علل ریشه‌ای. این امر لزوم به چالش کشیدن درک‌های سطحی و کشف مفروضات پنهان یا سوگیری‌ها در پژوهش‌های فعلی درباره هوش مصنوعی در ایران را برجسته می‌سازد. اگر پژوهش‌های فعلی در ایران عمدتاً بر همبستگی‌های قابل مشاهده تمرکز دارند، یک بازخوانی انتقادی به دنبال کشف این خواهد بود که چرا این همبستگی‌ها وجود دارند، یا چه عوامل عمیق‌تری به طور ضمنی فرض شده‌اند اما به طور صریح تحلیل نشده‌اند. این به معنای به چالش کشیدن مبانی معرفت‌شناختی مطالعات موجود برای دستیابی به درکی هستی‌شناختی قوی‌تر است که با چارچوب واقع‌گرایی انتقادی همسو است.

ایران به دلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاص خود که بر توسعه هوش مصنوعی تأثیر می‌گذارند، یک مورد منحصر به فرد را ارائه می‌دهد. درک وضعیت هوش مصنوعی در ایران مستلزم فراتر رفتن از "حقایق بدیهی و تکرار صرف آمار" است تا بتوان به عمق وضعیت بخش استارت‌آپ و محرک‌های آن نفوذ کرد. هدف، شناسایی نه تنها آنچه در حال وقوع است، بلکه چرایی آن، از طریق کشف نیروها و ساختارهای زیربنایی است. این رویکرد برای توسعه درک جامع و ارائه توصیه‌های سیاستی مؤثر، ضروری است.

ارائه درخواست برای انجام پژوهش:

عنوان: «بازخوانی انتقادی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی در حوزه هوش مصنوعی در ایران: چارچوبی رئالیستی برای فهم نیروهای علی و ساختارهای زمینه‌ای»

توضیح عنوان

عنوان مذکور به دنبال بررسی عمیق و انتقادی تحقیقات انجام‌شده در زمینه هوش مصنوعی در ایران است. این بازخوانی فراتر از توصیف صرف یافته‌ها رفته و به دنبال ریشه‌یابی و تحلیل انتقادی مبانی نظری، روش‌شناختی و نتایج این پژوهش‌هاست. هدف اصلی، ارائه یک «چارچوب رئالیستی» است. رئالیسم در اینجا به معنای توجه به «نیروهای علی» (علل و عوامل ریشه‌ای) و «ساختارهای زمینه‌ای» (بسترها و شرایط کلان) است که بر فرایند توسعه هوش مصنوعی در ایران تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، این عنوان پیشنهاد می‌کند که برای فهم واقعی پدیده یا مسئله مورد نظر در ایران، نباید صرفاً به مدل‌ها و نظریه‌های وارداتی یا توصیف سطحی پدیده‌ها بسنده کرد. بلکه لازم است با رویکردی انتقادی، به دنبال شناسایی علل و مکانیسم‌های پنهان، نیروهای محرکه واقعی و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر نوآوری باشیم. این رویکرد رئالیستی به ما کمک می‌کند تا تحلیلی دقیق‌تر و کاربردی‌تر از وضعیت هوش مصنوعی در ایران ارائه دهیم و راهکارهایی واقع‌بینانه برای بهبود آن پیشنهاد کنیم.

درخواست پیشنهاد (RFP)

درخواست پیشنهاد حاضر، از محققان و گروه‌های پژوهشی دعوت می‌کند تا با تمرکز بر عنوان فوق، پروپوزال‌های تحقیقاتی خود را برای انجام یک «بازخوانی انتقادی و جامع» از پژوهش‌های مرتبط با هوش مصنوعی در ایران و توسعه یک چارچوب تحلیلی رئالیستی ارائه دهند.

بخش ۱: اهداف پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به اهداف زیر است:

«شناسایی و دسته‌بندی انتقادی»: شناسایی و دسته‌بندی پژوهش‌های کلیدی انجام‌شده در حوزه هوش مصنوعی در ایران (شامل مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های سیاستی و کتاب‌ها) و تحلیل انتقادی مبانی نظری، رویکردهای روش‌شناختی، نقاط قوت و ضعف، و شکاف‌های موجود در این پژوهش‌ها.

«تحلیل نیروهای علی»: شناسایی و تحلیل عمیق نیروهای علی (causal forces) و مکانیسم‌های پنهان که بر فرایند نوآوری در سطوح مختلف (فردی، سازمانی، شبکه‌ای، ملی) در ایران تأثیرگذار هستند. این نیروها می‌توانند شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نهادی و فناوری باشند.

«تبیین ساختارهای زمینه‌ای»: بررسی و تبیین ساختارهای زمینه‌ای (contextual structures) و نهادهای حاکم بر بستر توسعه هوش مصنوعی در ایران. این ساختارها شامل نظام حکمرانی، قوانین و مقررات، فرهنگ سازمانی، زیرساخت‌های فناوری و علمی، و روابط بین ذینفعان مختلف می‌شوند.

«توسعه چارچوب رئالیستی»: ارائه یک چارچوب نظری-تحلیلی «رئالیستی» بومی برای فهم هوش مصنوعی در ایران که قادر به تبیین تعامل پیچیده میان نیروهای علی و ساختارهای زمینه‌ای باشد. این چارچوب باید بتواند کاستی‌های رویکردهای موجود را پوشش دهد و بینش‌های جدیدی ارائه کند.

«ارائه پیشنهاد‌های سیاستی»: تدوین پیشنهاد‌های سیاستی عملی و واقع‌بینانه بر اساس چارچوب رئالیستی توسعه‌یافته، برای بهبود زیست بوم نوآوری در ایران و کمک به توسعه دانش‌بنیان.

بخش ۲: دامنه و پوشش پژوهش

«ادبیات پژوهشی»: همه پژوهش‌های مرتبط با هوش مصنوعی در ایران از دهه‌های اخیر تا کنون، شامل (اما نه محدود به)، زیست بوم هوش مصنوعی، توسعه هوش مصنوعی، سیاست‌گذاری هوش مصنوعی، مسائل اجتماعی و فرهنگی هوش مصنوعی، اخلاق در توسعه هوش مصنوعی، اقتصاد هوش مصنوعی، حکمرانی هوش مصنوعی و مطالعات مرتبط با زمینه‌های توسعه هوش مصنوعی مانند داده، الگوریتم، زیرساخت پردازشی، شرکت‌ها یا استارت‌آپ‌های هوش مصنوعی و غیره.

«رویکردها»: پژوهش باید رویکردی فرا-نظری (meta-theoretical) داشته باشد و به تحلیل انتقادی مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی پژوهش‌های موجود بپردازد.

«حوزه‌ها»: تحلیل می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مرتبط با هوش مصنوعی صورت گیرد.

بخش ۳: رویکرد روش‌شناختی پیشنهادی

انتظار می‌رود پروپوزال‌های ارسالی، رویکرد روش‌شناختی دقیق و مستحکمی را پیشنهاد دهند. رویکردهای موردنظر می‌تواند شامل (اما نه محدود به) موارد زیر باشد:

مرور سیستماتیک و فراتحلیل: استفاده از روش‌های مرور سیستماتیک ادبیات و در صورت امکان، فراتحلیل (meta-analysis) برای شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل کمی و کیفی پژوهش‌های موجود.

تحلیل گفتمان انتقادی: برای بررسی مبانی نظری و ایدئولوژیک حاکم بر پژوهش‌های هوش مصنوعی در ایران.

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (Grounded Theory): در صورت نیاز برای توسعه چارچوب رئالیستی بر اساس تحلیل انتقادی پژوهش‌های موجود و داده‌های ثانویه.

روش‌های ترکیبی (Mixed Methods): استفاده از ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی برای ارائه تحلیلی جامع.

رویکرد رئالیسم انتقادی (Critical Realism): پیشنهاد و بسط کاربرد رویکرد رئالیسم انتقادی به عنوان چارچوب روش‌شناختی و نظری برای فهم وضعیت هوش مصنوعی در ایران. این رویکرد بر تمایز بین واقعیت‌های مشاهده‌پذیر، واقعیت‌های تجربی و واقعیت‌های عمیق (ساختارها و مکانیسم‌های مولد) تأکید دارد.

بخش ۴: خروجی‌های مورد انتظار

خروجی‌های اصلی این پژوهش شامل موارد زیر خواهد بود:

گزارش تحلیلی جامع: ارائه یک گزارش تحلیلی عمیق از وضعیت پژوهش‌های هوش مصنوعی در ایران، شامل نقاط قوت، ضعف، شکاف‌ها و روندهای آتی.

چارچوب رئالیستی نوآوری: توسعه و ارائه یک چارچوب نظری-تحلیلی رئالیستی برای فهم وضعیت هوش مصنوعی در ایران که قابل استفاده برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران باشد. این چارچوب می‌تواند به صورت یک مدل مفهومی یا یک مجموعه از اصول تحلیلی ارائه شود.

مقاله‌های علمی: تولید حداقل یک مقاله علمی با کیفیت بالا، قابل ارائه در مجلات معتبر علمی-پژوهشی داخلی و بین‌المللی.

پیشنهاد‌های سیاستی: تدوین یک مجموعه از پیشنهاد‌های سیاستی عملی و مبتنی بر شواهد برای نهادهای مرتبط با سیاست‌گذاری نوآوری در ایران.

سمینار/کارگاه: ارائه یافته‌های پژوهش در یک سمینار یا کارگاه تخصصی برای ذینفعان و جامعه علمی.

بخش ۵: شرایط و الزامات ارسال پروپوزال

صلاحیت تیم: پژوهشگر یا تیم پژوهشی باید سوابق علمی و اجرایی مرتبط با مسئله پژوهش داشته باشد.

بودجه و زمان: پروپوزال باید شامل برآورد دقیق بودجه مورد نیاز و زمان‌بندی واقع‌بینانه برای انجام پژوهش باشد. (حداکثر ۶ ماه برای کل پروژه)

ساختار پروپوزال: پروپوزال ارسالی باید شامل بخش‌های زیر باشد:

خلاصه اجرایی

بیان مسئله و اهمیت پژوهش

اهداف تفصیلی

مرور مختصر ادبیات (با تأکید بر شکاف‌ها)

رویکرد روش‌شناختی پیشنهادی (با جزئیات کافی)

برنامه کاری و زمان‌بندی تفصیلی

خروجی‌های مورد انتظار

بودجه پیشنهادی (با تفکیک اقلام)

صلاحیت و سوابق تیم پژوهشی (CV اعضا)

منابع

زبان: پروپوزال‌ها می‌توانند به زبان فارسی یا انگلیسی ارائه شوند.

مهلت ارسال: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴

بخش ۶: فرآیند ارزیابی

پروپوزال‌های دریافتی توسط کمیته‌ای از متخصصان مرتبط با حوزه مورد نظر و روش‌شناسی پژوهش ارزیابی خواهند شد. معیارهای ارزیابی شامل موارد زیر است:

انطباق با اهداف RFP: میزان همراستایی پروپوزال با اهداف و دامنه تعریف شده.

عمق و نوآوری نظری: اصالت و عمق رویکرد نظری و تحلیلی پیشنهادی، به ویژه در توسعه چارچوب رئالیستی.

استحکام روش‌شناختی: وضوح، دقت و قابلیت اجرای رویکرد روش‌شناختی.

واقع‌بینی بودجه و زمان‌بندی: تناسب بودجه و زمان با حجم و پیچیدگی پژوهش.

صلاحیت تیم: تجربه و تخصص اعضای تیم.

از تمامی پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی علاقه‌مند دعوت می‌شود تا پروپوزال‌های خود را ارسال نمایند.